

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی  
سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۲۰-۱۰۷

معرفی قطعه‌ای منسوب به ابو سعید ابوالخیر<sup>۱</sup>

دکتر محمد شاه‌بدیع‌زاده<sup>۲</sup>

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

اعظم‌السادات هاشمیان‌شهری<sup>۳</sup>

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

چکیده

از زمان درگذشت ابوسعید ابوالخیر - صوفی و عارف نامدار سده‌های چهارم و پنجم هجری قمری - تا قرن‌ها بعد، اشعاری در قالب رباعی و قطعه به او منتسب کرده‌اند که در تعداد آن‌ها و صحت انتساب اشعار به او اختلاف نظر جدی وجود دارد. همواره به دلیل تأثیرگذاری بسیار زیادی که ابوسعید بر جریان‌های فکری متصوفه داشته است، محققان در پی جمع‌آوری اشعار و اقوال او بوده‌اند. در دوران مختلف مریدان و دوست‌داران او اشعاری را به نام او ثبت کرده‌اند که باید در صحت انتساب بیشتر آن‌ها به ابوسعید شک کرد. در این جستار قطعه‌ای بررسی می‌شود که گویا اولین بار در جوامع الحکایات عوفی ثبت شده و پس از آن در چند متن دیگر نیز وارد شده است؛ در تمام متونی که این قطعه وجود

تاریخ پذیرش: ۹۵/۸/۱۶

۱- تاریخ وصول: ۹۵/۵/۱۸

۲- Amirrezas610@yahoo.com

۳- azamhashemian81@yahoo.com

دارد، سراینده آن ناشناس است.

با بررسی‌های انجام شده در جنگ خطی ۹۰۰ مجلس - مکتوب در اوایل قرن هشتم هجری - و با دلایلی که ارائه خواهد شد، انتساب قطعه مزبور به ابوسعید ابوالخیر ممکن به نظر می‌رسد.

### واژه‌های کلیدی

جنگ ۹۰۰ مجلس، قطعه ناشناس، ابوسعید ابوالخیر، شعر

### مقدمه

در این مقاله که با عنوان قطعه‌ای منسوب به ابوسعید ابوالخیر است در واقع به بررسی دلایل و شواهدی جهت اثبات قطعه شعری مورد نظر که منسوب به ابو سعید است با منابع و ذکر مستندات از بزرگان ادب فارسی دلایل منتج و بررسی شده‌ای را تحلیل و بیان نموده‌ایم. ابوسعید ابوالخیر از بزرگان بنام تصوف و عرفان است که هم در دوره خود و هم پس از آن، نامش بر سر زبان‌ها بوده‌است. شرح زندگانی او در کتاب‌های مختلف با داستان‌هایی آمیخته که بعضاً تحت تأثیر نام بزرگ او به وجود آمده است. جامی در **نفحات الانس** وی را فضل الله ابن ابی‌الخیر نامیده و از او با القاب سلطان وقت، جمال اهل طریقت و مشرف القلوب یاد کرده است (جامی، ۱۳۸۶: ۳۰۵).

در تاریخ و محل تولد و وفات او اتفاق نظر وجود دارد. او در ۳۵۷ هـ.ق. در میهنه (مهنه) از روستاهای خاوران متولد شد و در سال ۴۴۰ هـ.ق. در شب جمعه و در همان میهنه در گذشته است (جامی، ۱۳۸۶: ۳۱۲؛ ابوالخیر، ۱۳۳۴: ۲؛ صفا، ۱۳۷۲: ۶۰۳). محمد بن منور نیز تاریخ ولادت و درگذشت او را این گونه بیان کرده است: «ولادت شیخ ما ابوسعید، قدس الله روحه العزیز، روز یک شنبه غره ماه محرم سنه سبع و خمسين و ثلاثمائه بوده است»

(منور میهنی، ۱۳۶۶: ۱۶ مقدمه). «نیز مدّت عمر شیخ ما، قدّس الله روحه العزیز هزار ماه بوده است و آن هشتاد سال و سه سال و چهار ماه باشد» (منور میهنی، ۱۳۶۶: ۶-۵ مقدمه).

نفیسی ۷۲۰ رباعی و ۷۸ قطعه و بیت پراکنده را به نام ابوسعید در **سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر** جمع‌آوری کرده‌است؛ همان‌گونه که خود او نیز در مقدمه اشاره کرده است، بسیاری از رباعی‌های منسوب به ابوسعید به دیگران نیز انتساب دارد. بعضی از رباعی‌ها به نام افرادی چون خیام، خواجه عبدالله انصاری، مولانا، بابا افضل کاشانی، نجم الدین کبری و ... نیز ثبت شده‌است که با ابوسعید فاصله زمانی چندانی ندارند (نفیسی به نقل از ابوالخیر، ۱۳۳۴: ۶۱-۵۴) اما طبق یادداشتی که گلچین معانی بر سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر نوشته است، حتّی بعضی از این رباعی‌ها به نام شاعران عهد صفویّه چون غزالی مشهدی، شکیبی اصفهانی، محوی همدانی و ... نیز ثبت شده است (گلچین معانی، ۱۳۸۴: ۴۲).

طبق دلایل و مطالبی که به بررسی آن پرداخته خواهد شد شاعر بودن ابوسعید ابوالخیر با در نظر گرفتن قطعه‌ای منسوب به وی بسیار محتمل است از جمله اینکه می‌توان گفت در پایان کتاب **سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر**، منابعی را که از آن‌ها برای انتساب اشعار به ابوسعید بهره برده شده‌است مطالبی بیان گردیده است اما طبق بررسی‌های صورت گرفته ذکری از منبع رباعی‌هایی که گلچین معانی به نام شعرای صفویه به بعد آورده است، نکرده است اما می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که مصحح این کتاب در انتساب آن‌ها به ابوسعید از منابع متأخر بهره برده‌است زیرا گلچین معانی بسیاری از اشعار مورد نظر را در دیوان شعرای دوره صفویّه یافته است اما شفیع کدکنی بر خلاف نفیسی، ابوسعید را از جمله کسانی نامیده که شعر نگفته‌اند اما صاحب دیوان‌های بزرگ هستند (شفیعی کدکنی به نقل از منور میهنی، ۱۳۶۶: ۱۰۵). هم در اسرار التوحید و هم در حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر حکایتی موجود است مبنی بر این که ابوسعید در جواب نامه شخصی به نام حمزه التراب بیت زیر را فرستاده است:

چون خاک شدی خاک تو را خاک شدم      چون خاک تو را خاک شدم پاک شدم  
(منور میهنی، ۱۳۶۶: ۱۰۵؛ ابوروح، ۱۳۶۶: ۷۹)

محمد بن منور اشعار ابوسعید را محدود به تک بیت بالا و رباعی زیر دانسته است:  
جانا به زمین خابران خاری نیست      کش با من و روزگار من کاری نیست  
با لطف و نوازش جمال تو مرا      در دادن صد هزار جان عاری نیست  
(منور میهنی، ۱۳۶۶: ۱۰۵)

محمد بن منور بعد از ذکر رباعی بالا، توضیحاتی را مبنی بر این که ابوسعید شعر نمی‌گفته اضافه کرده است: «در همه عمر او آلا این یک بیت که بر پشت رقعۀ حمزه نوشت و این دو بیت که هم شیخ فرموده است: جاننا به زمین خابران ... بیش از این، او نگفته است. دیگر هر چه بر زفان او رفته است همه آن بوده است که از پیران خویش یاد کرده است» (منور میهنی، ۱۳۶۶: ۲۰۳-۲۰۲).

ابو روح نیز در کتاب خود حالات و سخنان ابو سعید ابوالخیر - که در بر دارنده زندگی نامه ابوسعید است - پس از نقل حکایت بالا از قول ابوسعید گفته است: «ما هرگز شعر نگفته‌ایم؛ آن چه بر زبان ما رود گفته عزیزان بود و بیشتر از آن پیر ابوالقاسم بشر بود» (ابو روح به نقل از ابوسعید، ۱۳۶۶: ۷۹). شفیعی کدکنی با اعتماد بر گفته ابو روح و محمد ابن منور جمع اشعار ابوسعید را یک رباعی و یک تک بیت دانسته است که ذکر آن‌ها رفت.

زرین کوب از دیگر محققانی است که به شاعر بودن ابوسعید اعتقاد داشته است؛ او فرض شاعری ابوسعید را به دلیل علاقه‌مندی او به شعر و استواری اشعاری که به تصریح به او نسبت داده شده است بعید نمی‌داند و این روایات را محل تردید دانسته، ساختن آن‌ها را به قصد تنزیه ابوسعید از شاعری بر شمرده است زیرا احفاد و اقوام شیخ آن را در شأن او نمی‌دانسته‌اند (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۱۴۳ و ۲۶۶).

شفیعی کدکنی در نفی شاعری ابوسعید، ادله نفیسی را به حق ضعیف خوانده است. ادله‌ای

مبنی بر این که نام دشت خاوران در چند رباعی دلالت بر این دارد که رباعی‌ها یا از ابوسعید است یا انوری (شفیعی کدکنی به نقل از منور میهنی، ۱۳۶۶: ۱۱۳) اما متأسفانه گفته دیگری از نفیسی را که دلیلی است بر صحّت انتساب قطعه‌ای به ابوسعید، بی پاسخ گذاشته است. نفیسی در مقدمه کتاب خود با ذکر دلایلی که در پی اثبات شاعری ابوسعید است به قطعه‌ای اشاره می‌کند که در تمهیدات عین القضاة همدانی با ذکر نام ابوسعید به ثبت رسیده است:

ای دریغا جان قدسی کز همه پوشیده است

بس که دیدست روی او یا نام او بشنیده است

هر که بیند در زمان آن حسن او کافر شود

ای دریغا کین شریعت کفر ما ببریده است کون

و کان بر هم زن و از خود برون شو یک رهی

کین چنین جان را خدا از دو جهان بگزیده است

(نفیسی به نقل از ابوالخیر، ۱۳۳۴: ۱۱۰)

عین القضاة قبل از نقل ابیات بالا در تمهیدات گفته است: «از شیخ ما بوسعید ابی‌الخیر - رحمه الله علیه - بشنو که چه می‌گوید و چه خوب می‌فرماید» (عین القضاة، ۱۳۷۷: ۱۵۵) و پس از این به نقل سه بیت بالا پرداخته است. تاریخ تألیف تمهیدات ۵۲۱ هـ.ق. است (عین القضاة، ۱۳۷۷: ۱۷). با این حساب با توجه به وجود فاصله زمانی کمتر از یک قرن (۸۱ سال) از درگذشت ابوسعید (۴۴۰ هـ.ق.) تا تألیف تمهیدات (۵۲۱ هـ.ق.) و تصریح نام ابوسعید در تمهیدات نمی‌توان قاطعانه انتساب قطعه مذکور را به ابوسعید انکار کرد. ضمن این که تاریخ تألیف تمهیدات از دو کتاب اسرار التوحید (۵۷۴ هـ.ق.) و حالات و سخنان (قبل از ۵۴۱ هـ.ق. که تاریخ درگذشت کاتب آن است) - که از منابع اولیه درباره ابوسعید هستند - اقدم است. البته شفیع کدکنی در جای دیگری با تکرار گفته زرین کوب

گوید: «اما این مسأله که بوسعید جز این نمونه (مراد همان رباعی و تک بیت است) شعرهای دیگری نیز سروده باشد احتمال دوری نیست. خاندان او - که مؤلفان مقامات شیخ بوده‌اند - با انکار شاعری او خواسته‌اند مرتبه روحانی نیای خویش را فراتر برند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۴۳ مقدمه). او در ادامه اضافه می‌کند: «احتمال این نیز هست که بوسعید شعرهای بیشتری نیز داشته است که اینان منکر آن شده‌اند تا بوسعید در شمار شاعران قرار نگیرد که شاعری را دون شأن او می‌دانسته‌اند» (همان).

با این تفصیل به نظر می‌رسد نه این ادعا که ابوسعید در گفتار خود فقط به نقل اشعار دیگران پرداخته‌است و خود جز یک رباعی و تک بیت چیزی نسروده است درست باشد و نه منتسب کردن اشعار دیگران به ابوسعید به‌خصوص شعرائی که قرن‌ها پس از او زیسته‌اند. قطعه‌ای چهاربیتی در جنگ خطی ۹۰۰ مجلس - مکتوب در اوایل قرن هشتم هجری - و چندین متن کهن دیگر موجود است که در تمام آن‌ها سراینده آن ناشناس است. این قطعه در جنگ ۹۰۰ پس از قطعه‌ای سه‌بیتی آمده که آن نیز ناشناس است و ذیل عنوان «قال الحکیم» در جنگ ۹۰۰ موجود است و با «ایضاً» به آن مرتبط شده است؛ یعنی به نظر کاتب سراینده هر دو قطعه یک نفر است. با دلایلی که به آن خواهیم پرداخت ظناً احتمال انتساب قطعه چهاربیتی به ابوسعید محتمل بحث و بررسی خواهد بود.

#### قطعه چهاربیتی ناشناس و محتمل الانتساب به ابوسعید ابوالخیر در جنگ ۹۰۰:

کاتب در برگ ۴۹۸ جنگ ۹۰۰ ذیل «قال الحکیم» سه بیت آورده است:

فزون ز توشه شکر پوره بار خر باشد	برون ز گوشه بهشت ارم سقر باشد
هر آن که توشه روزی و گوشه‌ای دارد	به راستی ملک ملک بحر و بر باشد
زیادت از سرت ار یک کله به دست آری	به خاک پای قناعت که در دسر باشد

(سفینه الشعراء و تذکره الشعراء، ۱۴۰۱۷: ۴۹۸)

از حکیمی که سراینده قطعه بالا و ناشناس است، چهار بیت دیگر نیز ذیل «ایضاً» و بعد

از قطعه بالا موجود است:

از عزیزی که سیم و زر باشد	جایش اندر دل حجر باشد
پس به تدبیر آتش سوزان	که از آن دیو بر حذر باشد
آورند از میان سنگ برون	تا بدان خلق بهره‌ور باشد
در کف روسپی زنی افتد	که از آن سنگ سخت‌تر باشد

(همان)

چهار بیت بالا در قافیه و ردیف با سه بیت قبل از خود تناسب دارد. در قسمت‌های دیگر جنگ ۹۰۰ کاتب تناسب وزن، قافیه، ردیف و ... التزام نکرده است که بتوان گفت دلیل پشت سر هم قرار گرفتن دو شعر مذکور التزام کاتب در آوردن اشعاری در تناسب با هم باشد؛ یعنی به زعم کاتب، چهار بیت مذکور از سراینده سه بیتی است که ذیل «قال الحکیم» آمده است زیرا این چهار بیت را با «ایضا» به سه بیت قبل و سراینده آن مرتبط کرده است. همین چهار بیت را عوفی در جوامع الحکایات با اختلافی اندک به شرح زیر آورده و گفته «لطیف طبعی» آن را سروده است:

آن عزیزی که سیم و زر باشد	جای او در دل حجر باشد
پس به تأثیر آتش سوزان	که از او دیو بر حذر باشد
آورندش ز سنگ خاره برون	تا از او خلق بهره‌ور باشد
در کف روسپی زنی افتد	که از آن سنگ سخت‌تر باشد

(عوفی، ۱۳۸۶: ۲۷۱-۲۷۰)

ابیات بالا در جوامع الحکایات در بین حکایت بخیلی آمده است که درم‌های خود را در کیسه می‌اندوخت و خرج نمی‌کرد.

در ریاض الملوک فی ریاضیات السلوک - کتابی مربوط به قرن هشتم هجری - نیز چهار بیت مذکور در لابه‌لای حکایت «بزغاله با روباه» به این صورت آمده است:

از عزیزی که سیم و زر باشد	جایش اندر دل حجر باشد
---------------------------	-----------------------

پس به تدبیر آتش سوزان      که از آن دیو بر حذر باشد  
 آورندش ز سنگ خاره برون      که از آن سنگ سخت‌تر باشد  
 (نخجوانی، ۱۳۳۵: ۱۶۱)

در سفینه شمس حاجی نیز ذیل عنوان «لله در قایله» سه بیت از قطعه مذکور آمده که مصحح بیت دیگر (بیت دوم) را از سفینه شعرا به سه بیت دیگر افزوده است:

از عزیزی که سیم و زر باشد      جایش اندر دل حجر باشد  
 (پس به تدبیر آتش سوزان      که از او دیو بر حذر باشد)  
 آورندش ز سنگ خاره برون      تا از او خلق بهره‌ور باشد  
 در کف روسپی زنی افتد      که از آن سنگ سخت‌تر باشد  
 (شمس حاجی، ۱۳۹۰: ۲۶۷)

علاوه بر این، قطعه مذکور در نمونه نظم و نثر - جنگی قدیمی و بی تاریخ به شماره ۲۴۴۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران - که به اهتمام حبیب یغمایی و با مقدمه ایرج افشار به چاپ رسیده است، ذیل ناشناس آمده است (شمس حاجی، ۱۳۹۰: ۱۱۲).

به نظر می‌رسد قدیمی‌ترین متنی که به چهار بیت بالا اشاره داشته، جوامع الحکایات عوفی است که در حدود ۶۳۰ هـ ق. کتابت شده است. گوینده اشعار فوق هم در جوامع الحکایات و هم در متون دیگر ناشناس است. شعر در هر متنی با تغییراتی در واژگان و تعداد مصارع همراه بوده است. با توجه به گفته کاتب جنگ ۹۰۰، صاحب تمام اشعار یک نفر است که از او با نام حکیم یاد کرده است؛ در واقع رمزگشایی از سراینده چهار بیت (از عزیزی که ...) در گرو شناخت حکیمی است که سه بیت به نام او ثبت شده و چهار بیت دیگر پس از آن آمده است. در برگ ۴۹۷ جنگ ۹۰۰، دو قطعه یکی ذیل «شیخ سعدی راست»<sup>(۱)</sup> و دیگری ذیل «وله» به شرح زیر موجود است که در دیوان سعدی نیز وارد شده است:

رحمت صفت خدای باقی است      و آن را که خدای بر گزیند



گر جرم و خطای ما نباشد  
پس عفو تو در کجا نشیند  
(سعدی، ۱۳۶۲: ۸۲۳)

و:

ای کریمی که از خزانه غیب  
دوستان را کجا کنی محروم  
گبر و ترسا وظیفه خور داری  
تو که با دشمن این نظر داری  
(سعدی، ۱۳۷۴: ۴۹)

در برگ ۴۹۸ سه بیت (فزون ز توشه شکر بوره ... ) ذیل «قال الحکیم» آمده است و کاتب چهار بیت (از عزیزی که سیم... ) را با «ایضاً» به آن مرتبط و پس از آن مکتوب کرده است اما آن چه مهم است دو قطعه دیگر است که پس از قطعه (از عزیزی که ... ) ذیل «ایضاً» آمده و هر دو در دیوان سعدی است:

امید خلق برآور چنان که بتوانی  
به حق آن که تو را هم امید معرفت است  
اگر ز پای در آیی بدانی این معنی  
که دستگیری در ماندگان چه مصلحت است  
(سعدی، ۱۳۶۲: ۸۱۳)

و ابیات زیر که با اختلافی اندک در حکایت بیستم گلستان در باب پنجم آمده و کاتب دو بیت را که در حکایت مزبور جدا از هم آمده‌اند به هم پیوسته و در سفینه خود جای داده است:

نه در هر سخن سخت‌گیری روا است  
خطا بر بزرگان گرفتن خطا است  
یکی کرده بی‌آبرویی بسی  
چه غم دارد از آبروی کسی  
(سعدی، ۱۳۷۴: ۱۴۵)

به زعم کاتب، سراینده دو قطعه بالا همان کسی است که از او به حکیم تعبیر کرده و چهار بیت (از عزیزی که ... ) را نیز به او نسبت داده است زیرا همان‌گونه که اشاره شد دو قطعه بالا ذیل «ایضاً» و بدون فاصله از چهار بیت (از عزیزی که ... ) آمده است و با توجه به وجود دو قطعه بالا در دیوان و گلستان سعدی، حکیم مورد نظر به دلایل زیر نمی‌تواند

سعدی باشد:

عوفی ابیات (از عزیزی که ...) را در جوامع الحکایات ذکر کرده است؛ با توجه به این که عوفی در حدود سال ۶۳۰ هـ.ق. کتابت جوامع الحکایات را به اتمام رسانده (صفا، ۱۳۷۳: ۲/ ۱۰۲۷؛ بهار، ۱۳۸۶: ۳/ ۳۷) و در آن هنگام سعدی حدوداً بیست و چهار سال داشته است و با آنکه می‌توان تصور کرد سعدی در بیست و چهار سالگی سراینده اشعار بسیاری بوده است؛ اما اطلاق لفظ حکیم به سعدی آن هم در بیست و چهار سالگی بسیار بعید به نظر می‌رسد؛ مضاف بر این که این اشعار در نسخه‌های اشعار وی که فروغی آن‌ها را قدیمی‌ترین نسخ موجود از کلیات سعدی در جهان دانسته موجود نیست. فروغی در تصحیح و جمع‌آوری اشعار سعدی از نسخی بهره برده است که استنساخ آن‌ها فاصله چندانی با درگذشت سعدی ندارد. او با دست‌یابی به قدیمی‌ترین نسخی که تاریخ کتابت آن‌ها از حدود ۷۱۸ تا ۷۲۷ هـ.ق بالغ است به تصحیح کلیات سعدی پرداخته است (سعدی، ۱۳۶۲: ۲۶-۲۵، ۱۹۹، ۴۰۸-۴۰۹) نسخ مورد نظر و نسخه جنگ ۹۰۰ از لحاظ زمانی فاصله چندانی ندارند. محیط طباطبایی تاریخ کتابت جنگ ۹۰۰ را بین ۷۱۴ هـ.ق. و ۷۵۰ هـ.ق. دانسته است (محیط طباطبایی، ۱۳۱۷: ۷). با توجه به این که اشعار مورد نظر در نسخ بسیار معتبری که از اشعار سعدی در دست است وجود ندارد، انتساب آن‌ها به سعدی بسیار بعید به نظر می‌رسد.

تنها گزینه مقبول برای رفع اشکال موجود، قبول اشتباه کاتب در انتساب دو قطعه موجود در دیوان سعدی به سراینده اشعاری است که قطعات ذیل «قال الحکیم» و چهار بیت پس از آن را سروده است؛ مشخص است کاتب با وجود فاصله زمانی اندک تا درگذشت سعدی به آثار او دسترسی کامل نداشته یا نسخه‌ای قابل قبول از اشعار سعدی را در اختیار نداشته است زیرا در قسمت‌های دیگر سفینه شعرا نیز قطعاتی می‌توان یافت که سروده سعدی است اما کاتب سراینده آن را نمی‌شناخته است؛ برای مثال قطعه زیر که در دیوان سعدی موجود است ولی کاتب در برگ ۴۹۰ آن را ذیل عنوان «لغیره» آورده است:

اگر ملازم خاک در کسی باشی  
ز بهر نعمت دنیا که خاک بر سر او  
هزار سال تنعم کنی بدان نرسد  
چو آستانه ندیم خسیت باید بود  
بر این مثال که گفتم بسیت باید بود  
که یک زمان به مراد کسیت باید بود  
(سعدی، ۱۳۶۲: ۸۲۴)

همان گونه که قبل از این گفته شد، با شناخت سراینده ابیاتی که کاتب ذیل «قال الحکیم» آورده است، هویت سراینده چهار بیت بعدی نیز کشف خواهد شد. نفیسی در سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر ابیاتی را که ذیل «قال الحکیم» آمده به نام ابوسعید آورده است:

برون ز گوشه بهشت برین سقر باشد  
هر آن که توشه روزی و گوشه‌ای دارد  
زیادت از سرت از یک کله به دست آری  
فزون ز توشه شکر معده بار خر باشد<sup>(۲)</sup>  
به راستی ملک ملک بحر و بر باشد  
به خاک پای قناعت که درد سر باشد  
(نفیسی به نقل از ابوالخیر، ۱۳۳۴: ۱۱۲)

نفیسی نود و نه مرجع مورد استفاده خود را که حاوی رباعیات، قطعات و ابیات پراکنده ابوسعید هستند و از آن‌ها برای گردآوری اشعار وی بهره برده ذکر کرده است؛ در این بین نسخه‌ای خطی که منبع نفیسی برای ذکر قطعه بالا به نام ابوسعید بوده سفینه‌ای است به نام **بیاض تاج‌الدین احمد وزیر** که در سال ۷۸۲ هـ. ق. کتابت شده است و در کتابخانه شهرداری اصفهان موجود است. در **بیاض تاج‌الدین احمد وزیر** سه بیت بالا ذیل عنوان «لسلطان العارفین ابوسعید ابوالخیر قدس الله سره» آمده است (تاج‌الدین وزیر، ۱۳۸۱: ۱۰۳) <sup>(۳)</sup> با توجه به موجود بودن این سه بیت در **بیاض تاج‌الدین احمد وزیر** که نام سراینده آن ابوسعید ابوالخیر ذکر شده است، این احتمال وجود دارد که چهار بیت (از عزیزی که ...) که کاتب **جنگ ۹۰۰** پس از سه بیت مزبور آورده و سراینده آن را نمی‌شناخته - همچون عوفی، شمس حاجی و کسان دیگری که این چهار بیت را ذیل ناشناس نقل کرده بودند- از ابوسعید باشد.

می‌توان بهترین توجیه را درباره استفاده کاتب جنگ ۹۰۰ از لقب حکیم برای سراینده‌ای که به گفته کاتب **بیاض تاج‌الدین احمد وزیر ابوسعید ابوالخیر** است، همان ناشناخته بودن هویت شاعر سه بیت (فزون ز توشه شکر بوره ...) و چهار بیت پس از آن دانست.

### نتیجه

در بررسی‌های انجام شده قطعه چهاربیتی (از عزیزی که ...) در پنج متن کهن موجود است که در تمامی آن‌ها سراینده آن ناشناس باقی مانده است. گویا قدیمی‌ترین متنی که به آن اشاره داشته، جوامع الحکایات عوفی است که در ۶۱۸ هـ ق. نگاشته شده است. از دیگر متونی که این قطعه را در خود جای داده و ما به کمک آن به بررسی قطعه مورد نظر پرداختیم، جنگ خطی ۹۰۰ مجلس است. این قطعه در جنگ ۹۰۰ پس از قطعه‌ای سه بیتی آمده که با «ایضاً» به آن مرتبط شده است. قطعه سه بیتی که ذیل عنوان حکیم در جنگ جای گرفته است در بیاض تاج‌الدین احمد وزیر به نام ابوسعید ابوالخیر ثبت شده است؛ با توجه به این که کاتب جنگ ۹۰۰ سراینده هر دو قطعه را یک شخص دانسته و آن دو را با «ایضاً» به هم مربوط کرده است، این احتمال وجود دارد که سراینده قطعه چهاربیتی نیز ابوسعید ابوالخیر باشد.

با دلایلی که در متن مقاله به آن پرداخته شد شاعری ابوسعید امری ممکن و محتمل به نظر می‌رسد زیرا هم اشعاری معدود به تصریح به او نسبت داده شده و هم در متونی کهن چون تمهیدات اشعاری را با ذکر نام او به ثبت رسانیده‌اند. شاید بتوان با جستجو در متن‌های کهنی که هنوز بررسی نشده‌اند، اشعاری به دست آورد که در انتساب آن‌ها به ابوسعید شک و شبهه‌ای باقی نگذارد؛ یا دست کم بتوان احتمال انتساب آن‌ها را به وی بررسی کرد.

### پی‌نوشت‌ها

۱) بین دو قطعه سعدی و قطعه سه بیتی ذیل «قال الحکیم»، قطعه‌ای پنج بیتی موجود است که ذیل

«لغیره» آمده است:

نبود مهتری چو دست رسد	روز تا شب شراب نوشیدن
یا طعام لذیذ را خوردن	یا ملوّن لباس پوشیدن
یا بر آنها که زیر دست تو اند	هر زمان بی سبب خروشدن
من بگویم که مهتری چه بود	گر توانی ز من نوشیدن
دوستان را ز غم رهانیدن	در مراعات خلق کوشیدن

قطعه بالا با تغییراتی اندک و در چهار بیت در دیوان ابن‌یمین موجود است:

نبود مهتری به روز و شب	باده خوش‌گوار نوشیدن
یا طعام لذیذ را خوردن	یا لباس لطیف پوشیدن
من بگویم که مهتری چه بود	گر بخواهی ز من نوشیدن
همگان را ز غم رهانیدن	در رعایات خلق کوشیدن

(ابن‌یمین فریومدی، ۱۳۴۴: ۴۹۸)

۲) در مقایسه با ضبط بیت در جنگ ۹۰۰ مصراع‌ها جابه‌جا هستند.

۳) تاج‌الدین احمد وزیر ۲ رباعی و ۲ قطعه از ابو سعید را در بیاض خود گردآوری کرده است.

## منابع

- ۱- ابوالخیر، ابوسعید. (۱۳۳۴). *سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر*. تصحیح سعید نفیسی. تهران: انتشارات کتابخانه شمس.
- ۲- ابو روح، جمال‌الدین. (۱۳۶۶). *حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر*. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگاه.
- ۳- بهار، محمد تقی. (۱۳۸۶). *سبک شناسی*. تهران: امیرکبیر.
- ۴- تاج‌الدین وزیر، احمد ابن محمد. (۱۳۸۱). *بیاض تاج‌الدین احمد وزیر*. تصحیح علی زمانی علویجه. قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- ۵- جامی، عبدالرحمان. (۱۳۸۶). *نفحات الانس*. تصحیح محمود عابدی. تهران: سخن.

- ۶- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۲). ارزش میراث صوفیه. تهران: امیرکبیر.
- ۷- سدیدالدین عوفی، محمد. (۱۳۸۶). جوامع الحکایات و لوامع الروایات. تصحیح امیر بانو مصفا. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۸- سعدی، مصلح ابن عبدالله. (۱۳۶۲). کلیات سعدی. تصحیح محمدعلی فروغی. تهران: امیرکبیر.
- ۹- ----- (۱۳۷۴). گلستان. تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.
- ۱۰- سفینه الشعراء و تذکره الشعراء. ۱۴۰۱۷. (نسخه خطی)
- ۱۱- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۸۶). چشیدن طعم وقت (مقامات کهن و نویافته بوسعید). تهران: سخن.
- ۱۲- شمس حاجی، محمد. (۱۳۹۰). سفینه شمس حاجی. تصحیح میلاد عظیمی. تهران: سخن.
- ۱۳- صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۲). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس.
- ۱۴- عین القضاة همدانی. (۱۳۷۷). تمهیدات. تصحیح عقیف عسیران. تهران: منوچهری.
- ۱۵- فریومدی، ابن یمین. (۱۳۴۴). دیوان اشعار ابن یمین فریومدی. تصحیح حسین علی باستانی راد. تهران: سنایی.
- ۱۶- گلچین معانی، احمد. (۱۳۸۴). یادداشت‌هایی درباره سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر. اطلاع رسانی و کتابداری. شماره ۴۸، ص.ص. ۴۵-۴۲.
- ۱۷- محیط طباطبایی، محمد. (۱۳۱۷). در پیرامون زبان فارسی. مجله آموزش و پرورش. شماره ۱۰، سال هشتم. ص.ص. ۸-۱.
- ۱۸- منور میهنی، محمد. (۱۳۶۶). اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگاه.
- ۱۹- نخجوانی، حسین. (۱۳۳۵). ریاض الملوک فی ریاضیات السلوک. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. شماره ۳۷. ص.ص. ۱۶۴-۱۵۲.